

عناصر کالبدی. کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی

عبدالهادی دانشپور^۱، الهام شیری^۲

چکیده

بافت تاریخی شهر ایرانی. اسلامی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار است، در نتیجه حفظ بافت های تاریخی به عنوان هویتی ضروری برای ادامه حیات شهرها مطرح می گردد. در واقع هویت، پاسخی به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی است که در بستر تاریخی جامعه شکل می گیرد. یکی از دلایل اصلی بحران هویت امروزین شهرها را می توان نا کارآمدی بافت های تاریخی ذکر نمود. با گذر زمان، لاجرم، تغییراتفاق خواهد افتاد، لیکن تداوم همراه با تغییر که پیوند بین گذشته با حال را ممکن می سازد، خود باعث تعادل بخشی به این تغییر خواهد بود. تحقیق حاضر از نوع کیفی است و به دنبال بررسی عناصر شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی. اسلامی به منظور مقابله با پدیده از دست رفتن هویت بافت های مذکور است. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، توصیفی. تحلیلی و روش جمع آوری داده ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسناد تاریخی است. بررسی ها حاکی از آن است که عناصر اصلی شکل دهنده به هویت بافت تاریخی شهر ایرانی. اسلامی عبارتند از: ارگ، مسجد جامع، بازار، محله های مسکونی و شبکه معابر که از آن میان ارگ، مسجد جامع و بازار سه رکن اساسی شهر سنتی اسلامی را به وجود می آورند. مسجد جامع به عنوان محوری ترین عنصر کالبدی در شهر اسلامی و بازار، یکی از عینی ترین نمودهای معماری و شهرسازی سنتی ایران است که به عنوان ستون فقرات و قلب تپنده شهر ایفای نقش می کرده است. مقاله حاضر در صدد است تا با شناخت ماهیت هویت، به بررسی عناصر شکل دهنده شهرهای سنتی اسلامی کشور بپردازد تا به تمهیداتی منجر شود که به حفظ و تداوم حضور این عناصر در بافت های تاریخی شهرهای کشور مان کمک کند.

واژه های کلیدی: عناصر شکل دهنده، هویت، بافت تاریخی، شهر ایرانی. اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۷

۱۷

شماره ۵-۱
بهار ۱۳۹۴
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

عناصر کالبدی. کارکردی شکل دهنده به هویت
بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی

۱ - دانشیار، گروه شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. daneshpour@iust.ac.ir

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) elhamshiri@arch.iust.ac.ir

۱. مقدمه

اینکه گفته می شود مسئله هویت، به این معنی است که در قرن بیستم شهر و فضاهای شهری در سیر تحول و فرآیند رشد و شکل گیری خود به تبع تحولات و جریانات ناشی از اندیشه جهانی شده امور، دستخوش تغییرات و دگرگونی های شگرفی گردید. در این روند رابطه گذشته و حال فضاهای شهری از هم گسسته شده و در ارتباط معنی دار بین انسان و محیط سکونتش، فاصله و شکاف ایجاد گردید. در بعد جهانی، شکل شهر و محیط های انسان ساخت به سمت متحدالشکل شدن، بی چهرگی، شباهت، عام شدن، عدم تشخیص و تمایز، استاندارد شدن و جهان شمول و جهانی شدن حرکت کرد. و در بعد محلی نیز، چیستی فضاهای شهری تحت تأثیر طرح های شهری جنبش مدرن مورد پرسش قرار گرفته و دستخوش تغییرات جدی گردید. (Daneshpour, 2004, 60). نمونه بارز چنین تحولی را می توان در تغییر در میزان تأثیرگذاری نقش مسجد در ایفای نقش هویت شهر اسلامی دانست. مساجد جامع در گذشته ای نه چندان دور نقش مرکزی داشته اند و این نقش کانونی، همواره منشأ تحرک های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده اند چنانچه می توان ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را تبلور بصری ماهیت اسلامی آن دانست، در نتیجه لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته تر شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می یابد. در صورت بی توجهی به آن ها، هویت اسلامی و تاریخی آن ها کم رنگ می بازند و عناصری جانشین می شوند که رنگ و بوی بومی ندارند و کارکردهای قبلی خود را از دست می دهند. (Shakouei, 2004, 185). همچنین میدان ها نیز از قربانیان شهرسازی عصر مدرن اند به گونه ای که جای خود را به فلک ها داده اند و هرگز توان کارکردی میدان را ندارند بلکه باعث تقلیل اهمیت یک میدان مهم قدیمی به تقاطع بی اهمیت چند خیابان امروزی شده است (Ebrahimi, 2009, 119).

۲. معانی و ریشه های واژه شناختی هویت

هویت در فرهنگ لغت دهخدا عبارت است از تشخیص و همین معنی میان حکیمان و متکلمان مشهور است (Dehkoda, 1955, 349). در فرهنگ عمید هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هو است (Amid, 1984, 1984). در فرهنگ معین هویت به ذات باری تعالی، هستی،

وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد، معنی شده است (Moien, 2005, 5228). آکسفورد از هویت به عنوان کیستی و چیستی شخص یاد می کند (Oxford, 2008). در زبان انگلیسی (و فرانسه) لفظ به عنوان معادل هویت به کار می رود که در فرهنگ بریتانیکا دارای دو معنی منطقی به معنی «این همانی» و روان شناسی به معنی «شخصیت، تشخیص و خود واقعی» است (Aryanpour Kashani, 1996, 1035).

۳. این همانی و هو هویت

در توضیح معنی و مفهوم هویت، معمولاً به واژه های دیگری اشاره می شود که آشنایی با معنی آن ها زمینه شناخت هرچه بیشتر هویت را فراهم می سازد. در این میان واژه های مرتبط با مفهوم هویت، شاید واژه «این همانی» یا «همان» (هو هویت عربی که واژه مقابل آن غیریت است) را بتوان نزدیکترین واژه به مفهوم هویت دانست. در لغت نامه دهخدا «همان» این گونه تعریف شده: اشارت است به چیزی که در خاطر ملحوظ است و در جمله بدین معنی است که این آن چیزی است که بوده است و متکلم و مخاطب می دانند (Daneshpour, 2000, 19).

هویت بیانگر ویژگی های هر فرد یا پدیده ای است (Bermanian et al., 2010, 40) و حاصل احساسات ذهنی از وجود هرروزه او و ارتباطات گسترده اجتماعی است که نیازمند مکانی برای شکل گیری است (Pourjafar, 2011, 12). هر کالبدی از نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل برخوردار است (Bahreini, et al., 2001). از این رو هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می کند (Mir Moghtadaei, 2004, 37).

۴. بافت تاریخی

مراد از بافت های تاریخی، آن هایی است که به رغم فرسودگی، در گستره شان بناها، مجموعه ها، تأسیسات و تجهیزات شهری با ارزش (و یا ترکیبی از آن ها) وجود دارد (Sharan, 2005, 1-3).

بافت های تاریخی شهرهای ما، ظرافت و زیبایی و نیز روح خلاق مردمی، بالاخص هویت را به نمایش می گذارند که طی سالیان دراز آن ها را بر طبق سنن، فرهنگ و نوع معیشت خود به وجود آورده اند. شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می یافتند، شیرازه اجتماعی جوامع را

به وجود می آورند، ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است (Piran, 2005, 7).

بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گرانبهایی از فرهنگ، دانش معماری و شهرسازی بومی اند و به عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند. در بافت‌های تاریخی به عناصر مادی یا وجه مادی فرهنگ، یا به طور مشخص آنچه که به قول مردم شناسان فرهنگ مادی در برابر فرهنگ نامیده می‌شود (یعنی آثار مادی و عینی فرهنگ) توجه می‌شود. بنابراین مدیریت ترویج و احیای الگوی بافت‌های تاریخی شهرها، مدیریت بخشی از منابع فرهنگی با هدف تعمیق روابط معنوی و ذهنی و نیز هویت بخشی به زندگی شهری است (Taherkhani, 2006, 98).

۵. ساختار و ویژگی‌های بافت‌های تاریخی در شهرهای ایران

بافت‌های سنتی، تاریخی، واقعیت انکارناپذیر شهرهایی به شمار می‌روند که واجد پیشینه تاریخی هستند. عضو و عرصه‌ای از شهر که در زمانی نه چندان دور به حیات خود ادامه می‌دادند و پذیرای رفت و آمدها و دادوستدهای مادی و معنوی مردمان آن روزگار بودند. به عبارت دیگر «بافت‌های کهن شهری مکانی خلاق و زنده برای درک موقعیت انسان در جهان و پیوند او با گذشته‌اند، مکانی برای دگرگونی محیط و تغییر نگاه به زندگی حال و آینده» (Habibi, 2006, 55). شهرهای سنتی ایران مبین ساخت ویژه‌ای هستند و آن پیوستگی مجموعه مرکز شهر و محلات از طریق گذرهای اصلی و بازار است که وظیفه پیوند میان عناصر مهم شهر را برعهده داشته‌اند. در بافت‌های کهن شهرهای تاریخی ایران، مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی به هم ارتباط پیدا می‌کنند. مجموعه مرکز شهر متشکل از عناصر مختلف از نزدیک دروازه‌ها شروع شده و تا محله‌ها ادامه داشته است. عناصر اصلی مجموعه مرکز شهر را مسجد، راسته بازارهای مختلف، کاروانسرا، مدرسه، حمام و غیره تشکیل می‌داده است (Habibi, 2006, 55).

بافت‌های تاریخی ایران هم‌اکنون دارای ویژگی‌ها و مشخصاتی بدین شرح هستند:

این محدوده اغلب دارای مرکزیت مکانی در شهر است و خصلت مرکز شهری را نیز حفظ کرده است و نشانه‌هایی چون شبکه شعاعی منتهی به این مرکز، وجود بازار و

مجتمع‌ها و راسته‌های عملکردی تأییدکننده مرکزیت شهری است.

- قدمت ساخت و ساز شهری و فراوانی نسبی بیشتر بافت‌ها و ساختمان‌ها (تک بناهای) قدیمی در این محدوده عاملی است که آن را از پهنه‌های شهری پیرامون خود جدا می‌کند.

- وجود بازار شهر با عملکرد شهری، منطقه‌ای و گاه فرامنطقه‌ای و تمرکز راسته‌ها در محدوده بافت تاریخی شهر که گاهی این راسته‌ها به بیرون از بافت نیز امتداد می‌یابند.

- وجود تعداد زیادی از ساختمان‌ها، فضاها و یادمان‌های شاخص و قدیمی شهر در محدوده بافت، خصلتی تاریخی فرهنگی به آن می‌دهد و مشخصاً حاکی از تمایز این محدوده از حوزه‌های اطراف آن است.

- غیرمعاصر بودن محیط شهری و ناکارآمدی و کیفیت محیطی پایین آن.

- بالا بودن مزیت نسبی محدوده برای استقرار فعالیت‌های شهری و منطقه‌ای.

- بی‌توجهی به برنامه‌ریزی و اقدام یکپارچه در محدوده بافت، به گونه‌ای که گاه محدوده بافت حتی از لحاظ تقسیم‌بندی شهری، میان شهرداری چند منطقه پاره پاره می‌شود.

- محدوده بافت، اغلب نقش کانون اقتصادی-عملکردی شهر را ایفا می‌کند و مرکز استقرار بازار و بسیاری از واحدهای اقتصادی و خدماتی است. تعداد کارگاه‌های موجود در بافت و همچنین درصد شاغلان در محدوده بافت شاخص‌های مناسبی برای سنجش این مرکزیت است.

- یکی دیگر از ویژگی‌های جمعیتی این محدوده تفاوت جمعیت شب (ساکنان محدوده) و روز (ساکنان، شاغلان و مراجعان به محدوده) است.

- به موازات محدود شدن فضای گسترش واحدهای اقتصادی، وجود محدودیت‌های اداری و قانونی در این زمینه و نیز هزینه زیاد ایجاد و راه‌اندازی یک واحد اقتصادی در محدوده بافت‌های تاریخی، گسترش خزنده غیرمشهود واحدهای اقتصادی به داخل بافت‌های مسکونی پیرامون خود و تبدیل واحدهای مسکونی به واحدهای اقتصادی (تولیدی، خدماتی، انباری) ادامه

یافته و تشدید شده است. این امر همجواری کاربری های
ناسازگار در کنار یکدیگر را تشدید کرده است (Taherkhani
& Motavasseli, 2006, 102 & 104).

به طور کلی، ویژگی عمده ساخت کالبدی بخش قدیمی را
می توان در اصل زیر خلاصه نمود:

اصل پیوستگی فضایی: سازمان کالبدی شهرهای قدیمی
ایران بر پیوند فضایی میان عناصر مجموعه: 1) مرکز
شهر (۲) مراکز محلات، از طریق یک رشته فضاها و عناصر
ارتباط دهنده (3) گذرهای اصلی (4) میدان استوار است
(Tavassoli, 1997, 8).

۶. ویژگی های ساخت کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

شهرهای ایران در دوره های پس از اسلام ابتدا با همان
شکل اولیه به حیات خویش ادامه دادند. کهنه‌ژ
شارستان و ریبض که به عنوان اجزای اصلی شهرهای
ایرانی زمان ساسانیان در ساخت شهرها پدید آمده بودند
در سال های اولیه نیز اجزای شهرهای اسلامی را تشکیل
می دادند. به تدریج بر طبق ویژگی هایی که شهرنشینی
و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد، تغییراتی در
ساخت شهرها صورت گرفت. «توسعه شهرنشینی باعث
گسترش حومه (ریبض) شهرها شد، این حومه ها که در
زمان ساسانیان از مهاجران و روستاییان ساکن در آن ها
تشکیل شده بود، از نظر شهری تکامل یافته و دارای
فضاها و نهادهای شهری شد و اهمیت بیشتری نسبت
به شارستان پیدا کرد» (Mashhadizade Dehaghani,
1994, 245). بازارها که قبلاً در نزدیکی دروازه های شهر
جای داشتند از یک طرف در امتداد راه های اصلی که
به مرکز شهرها ختم می شد و از سویی دیگر در امتداد
راه ها و جاده های اصلی که به بیرون شهر ادامه داشت
گسترش یافتند و دارای فضاها و عناصر داخلی و شهری
شدند. هر قسمت و فضایی به عرضه یا تولید کالاهایی
خاص اختصاص یافت و کاروانسراها و انبارهایی نیز برای
جوابگویی به نیازهای جدید ایجاد شد. مساجد و به ویژه
مسجد جامع مرتبط با بازار از نظر فضا، و در نزدیکی ارگ
(در مرکز قدیمی شهر) و یا در ریبض ساخته شد. از بازارها که
ستون فقرات شهر را تشکیل می دادند کوچه هایی چون
خط سیرهای ثانوی جدا می شدند. علاوه بر کاروانسراها،
گرمابه ها، مدارس و انبارهای غله، آب انبارها، قهوه خانه ها
و فضاهای دیگر شهری در نزدیکی ستون فقرات جای
گرفتند. مساجد که مهمترین ویژگی را نصیب شهرهای
اسلامی کردند به عنوان ملاک تمایز شهر از «ده» در شهر

جای گرفتند و همراه با ارگ و بازار، عناصر سه گانه ساخت
شهرهای اسلامی را تشکیل دادند. تقسیم شهر به اجزای
مشخص کهنه‌ژ، شارستان و ریبض جای خود را به مراکز
دیوانی و نظامی، مراکز مذهبی، بازارها و محله های شهر
دادند (Mashhadizade Dehaghani, 1994, 250).

در شهرهای اسلامی و سنتی بخش مرکزی شهر به
جزیره ای می ماند که اطراف آن را شبکه ای از پیاده روها
احاطه می کرد. بخش مرکزی شهرها محیطی فیزیکی با
ارزش های اجتماعی، اقتصادی و پاسدار میراث های دینی
و فرهنگی مسلمانان بود (Mir Mohammadi, 1996).

۷. عناصر کالبدی - کارکردی بافت های تاریخی شهرهای ایرانی - اسلامی

عناصر و اجزایی که در شهرهای کهن ایران وجود داشته اند
دارای نوعی ارتباط متقابل فضایی یکپارچه و به هم
پیوسته بوده اند. در شهرهای اسلامی فضاهایی مانند
مسجد جامع، بازار، مرکز حکومت، فضاها و مسکونی و...
ضمن آنکه هر کدام جا، مرتبه و شخصیت خاص خود را در
سلسله مراتب فضاها و شهری حفظ می کنند و به ایفای
نقش خود می پردازند، با هم مجموعه واحدی را پدید
می آورند که شهر را از نظر فضا واحدی منسجم و به هم
پیوسته نشان می دهد. عناصر اصلی مجموعه شهری در
شهرهای اسلامی عبارتند از:

۱.۷. ارگ و بارو

ارگ مجموعه ای از ساختمان ها و تشکیلات و سازمان
حکومتی شهر را در خود جای می داده و مقرر حاکم بوده
است. ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار
داشته است. این خصوصیات در آثار به جای مانده
بسیاری از قسمت های قدیمی شهرها قابل مشاهده
است. ارکان عمده شهر شامل دارالخلافه، دارالحکومه یا
دارالاماره به جای کهنه‌ژ ظاهر شده اند و سپس با ایجاد
قصر امرا و پادشاهان مجموعه ای به نام ارگ را پایه ریزی
می کنند که در فاصله ای با مسجد جامع و بازار سه رکن
اساسی شهر را به وجود می آورند و در محدوده مرکزی شهر
قرار می گیرند. در این میان ارگ به عنوان عنصر سیاسی از
سایر عناصر جدا می شود و با ایجاد حصار و بارو در اطراف
آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی می کند. بخش دوم
شارستان از نظر شکل یابی با دوره های قبل از اسلام
تفاوتی ندارد، ولی از نظر محتوا کاملاً متفاوت است. عناصر
فرهنگی - مذهبی، بازار و محلات در این بخش قرار دارند.

اصناف، پیشه‌وران و اکثر طبقات و قشرهای مختلف مردم در این بخش زندگی می‌کنند (Nazarian, 1995, 24).

۲.۷. مسجد جامع

به جز عنصر سیاسی که به نام‌های مختلف دارالخلافه، دارالاماره و دارالحکومه و نهایتاً ارگ وجود داشتند، شهرهای دوره اسلامی دارای دو پایه اصلی بودند: مسجد جامع و بازار. مسجد جامع مرکز مذهبی-سیاسی بود و به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن، در محل مناسبی بنا می‌گردید. «مسجد جامع گاه به منزله مقر حکومت پیوند دهنده مذهب با حکومت بوده است مانند مساجدی که دارالاماره بوده‌اند همانند ارگ تبریز که به عنوان مسجد ساخته شد ولی بعدها مقر حکومت گردید. مسجد در شهر مهمترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکرات مربوط به شهرسازی اسلامی موقعیت زیربنایی می‌یابد (Mashhadizade Dehaghani, 1994, 279 & 281). جایگاه مسجد همواره در میان قلب تپنده شهر بوده است تا مسجد در ارتباط نزدیک با مردم معنای حقیقی خود را پیدا کند. به همین علت است که شکل و ابعاد زمین مسجد تابع امکانات بافت اطراف و نیازهای توسعه درونی است و حجم خارجی آن الگو و شکل مشخصی دارد (Hamzehnejad and Arabi, 2014, 49).

۳.۷. بازار

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری شهرهای اسلامی بازار است. هر شهر حداقل یک بازار به صورت خطی داشت که از دروازه آغاز و به میان شهر می‌رسید و در پیرامون مسجد جامع امتداد می‌یافت. بعضی بازارها از یک دروازه تا دروازه دیگر به طور پیوسته امتداد می‌یافتند و کیلومترها طول داشتند. در شهرهایی که ممکن بود بارندگی به مغازه‌ها و کالاهای آسیب برساند، سقفی آجری بر روی راسته بازار می‌ساختند و برای نورگیری و تهویه منافذی در سقف تعبیه می‌کردند. در شهرهای کم باران و کوچک از سقف‌های چوبی که با حصیر پوشانده می‌شد نیز استفاده می‌شد. هر صنفی راسته‌ای خاص خود داشت که مشاغل و صنف‌های دیگر در آن راه نداشتند و آن بخش معمولاً به نام آن صنف مشهور می‌شد. مثل بازار کفشان، بازار مسگران و غیره (Soltanzadeh, 1983, 126).

بازار به دور مسجد و مدرسه می‌چرخد و آن را در برمی‌گیرد. و طبق سنت باقی‌مانده از شهر دوره ساسانی، بازار شهر را در می‌نوردد و از میدان اصلی شهر (مقر حکومتی) به سوی دیوار و بارو کشیده می‌شود. به همین

اعتبار می‌توان از بازار به عنوان ستون فقرات شهر دوره اسلامی نام برد (Habibi, 2005, 46). شهر اسلامی بازارهای متعددی داشته است که هر یک برای فروش کالایی خاص یا چند کالای تخصصی در کنار هم قرار می‌گرفتند (Morris, 2002, 40). موقعیت و جایگاه شهری بازار و فضاها و مراکز مهم شهر در امتداد آن و همچنین نقش و منزلت بازاریان در زندگی شهری باعث می‌شد که بازار صرفاً در حد یک فضای اقتصادی باقی نماند بلکه تبدیل به فضایی برای بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی شود (Daneshpour and Rosta, 2013, 17).

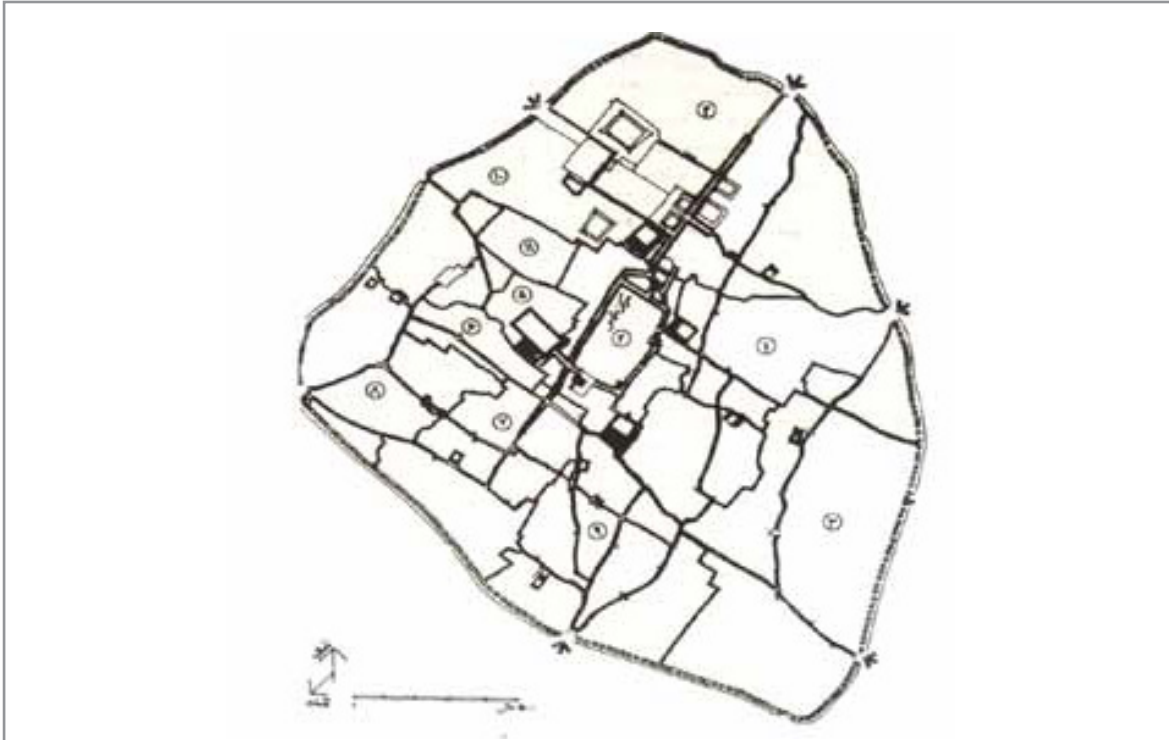
۴.۷. مناطق مسکونی و محله‌ها

محله‌های شهرهای ایرانی، اسلامی در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردار هستند. بن بست‌ها، کوچه‌ها، گذرگاه‌ها و مراکز محله‌ها با عناصر عمومی دست به دست هم داده، به محله موجودیت می‌بخشند. هر یک از این اجزاء دارای ویژگی‌های خاص خود هستند که از جهت بافت سنتی شهرها، اهمیت به‌سزایی دارند. عناصر و فضاهایی همچون بازارچه‌ها، مساجد، حمام، سقاخانه‌ها، آب‌انبارها و در برخی از محله‌های معتبر، کاروانسرا و میدانچه و در شهرهای ایران گاهی زورخانه به خاطر تأمین نیازهای ساکنان هر محله به وجود آمده و در واقع به زندگی آن‌ها استقلال نسبی بخشیده است.

اجزای محله را منازل مسکونی، بن بست‌ها، کوچه‌ها و بالأخره تأسیسات عمومی مرکز محله نظیر مساجد، عبادت‌گاه‌ها، بازارچه‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها و گاهی قهوه‌خانه‌ها تشکیل می‌داد. عناصر مزبور در سطح شهر به صورت یکنواخت پراکنده‌گی داشت و دارای حوزه نفوذ و عملکرد محدودی بود و آخرین نقطه نفوذ و حیطه عملکرد این عناصر را مرز محله‌ها تشکیل می‌داد (Khodaei and Taghvaei, 2011, 105).

۵.۷. شبکه خیابان‌ها، دیوار و نماهای خارجی

ساختار ارتباطی در محدوده بافت‌های قدیم شهری به فراخور شکل‌گیری تاریخی و عملکردهای گذشته و با در نظر داشتن مقیاس انسانی و به صورت ارگانیک شکل گرفته است. دسترسی‌های کوتاه و در مقیاس پیاده با نقش برجسته اجتماعی، پیچیدگی معابر به تبع شرایط آب و هوایی و امنیت شهری از جمله ویژگی‌های بارز در ساختار شبکه ارتباطی محله‌های قدیمی است (Esmailian and Pourjafar, 2013, 71). پیوند بین محلات از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ



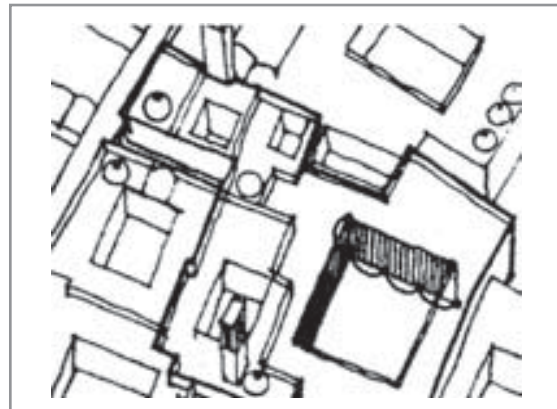
شکل ۱. در شهر شیراز عناصر اصلی مرکز شهر را مسجد، راسته بازارهای مختلف، مدرسه و... تشکیل می‌داده است: ۱. محله اسحاق بیگ، ۲. محله بازار مرغ، ۳. محله بال کتف، ۴. محله درب شاهزاده، ۵. محله درب مسجد، ۶. محله سرباغ، ۷. محله سردزدک، ۸. محله سنگ سیاه، ۹. محله لب آب، ۱۰. محله میدان شاه قدیم، ۱۱. محله هودی‌ها (مأخذ: Pourjafar, 2012, 18)

و قلمرو یک واحد مسکونی تفکیک شده است. (شکل ۲)
(Pourjafar et al, 2011, 17)

در اینجا لازم به یادآوری است که فرهنگ معماری و طراحی شهری ایرانی، اسلامی از چنان اصالت و ارزش‌های غنی تجربی برخوردار بود که به هنگام ورود مسلمانان آشنا با این فرهنگ به هندوستان مورد استقبال قرار گرفت و به سرعت رشد و توسعه یافت (Pourjafar, 2001, 41-47).

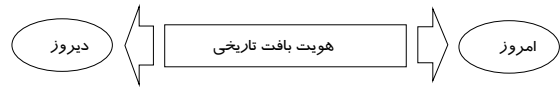
۸. هویت بافت تاریخی شهر ایرانی، اسلامی

هویت پدیده‌ای است که در بستر تاریخی یک جامعه شکل می‌گیرد. با گذر زمان این حس هویت در فرد درونی می‌شود و رفتار فرد را هدایت و نهایتاً جامعه را یکپارچه می‌کند. وحدت رفتاری ایجاد شده در سطح جامعه، کالبدی را جستجو می‌نماید تا نیازهای رفتاری و روانی فرد و جامعه را برطرف نماید. شهر اسلامی نیز با طرح ایدئولوژی خاص خود، رفتاری خاص را طلب می‌نماید که در کالبد خاص خود قابلیت اجرا می‌یابد. شهر اسلامی با مرکزیت مسجد شکل می‌گیرد، با محوریت بازار توسعه می‌یابد و با شکل‌گیری محلات در پهنه خود منتشر می‌شود (Movahed, et al., 2012, 46).



شکل ۲. سلسله مراتب فضایی برای تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی در بافت یزد (مأخذ: Pourjafar et al., 2011, 17).

صورت می‌گرفت، خیابان‌هایی که به خیابان بن بست، شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شوند. دیوار شهر نیز تعدادی دروازه را که هرکدام به محله‌ای ختم می‌شود در برمی‌گرفت (Komeili and Khodaei, 2011, 950). در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها قرار داشتند. یک بازار هفتگی نیز در خارج از دروازه اصلی برپا می‌شد (Ghanizadeh, 204, 2006). در بافت‌های تاریخی به قلمرو واسط و حد میانی فضاها، عمومی و خصوصی توجه بسیاری شده است. قلمروها به صورت یک واحد محله‌ای، چندین واحد مسکونی (مجموعه همسایگی)



تاریخی در شهرهای ایرانی. اسلامی تقویت گردد. کلام آخر این که حفظ و ارتقای هویت بافت های تاریخی شهرهای ایرانی. اسلامی به عنوان الگویی برای مطالعه و پژوهش ضروری است.

فهرست منابع

Amid, Hassan (1984) Amid Dictionary, Amirkabir Publication, Tehran.

Aryanpour Kashani, Abbas and Manouchehr (1996) Persian to English Dictionary, Amirkabir publication, Tehran.

Bahreini, Seyyed Hossein and Tajbakhsh, Golnaz (2001) "The Concept of Domain in Urban Spaces and the Role of Urban Design in Achieving it", Journal of Fine Arts, (31-18 (6.

Bemanian, Mohammad Reza et al. (2010) "Reviewing Spiritual Identity of Sacred Notions in Architecture of Shia Mosques," Journal of Shiism, (70-37 (30.

Daneshpour, Abdolhadi (2000) Recognition of the Identity in Public Urban Spaces (Streets), Case Study: Enghelab Street, Tehran, PhD thesis in urbanism.

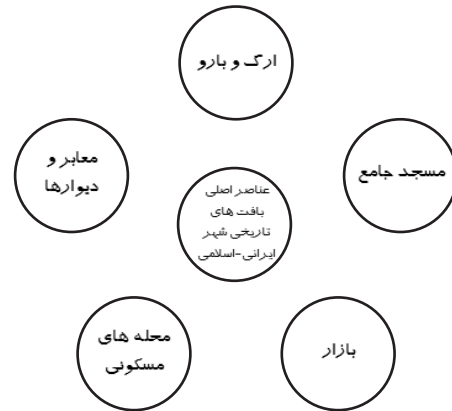
Daneshpour, Abdolhadi (2014) "An Introduction to Concept and Function of Human Made Environment Identity," Bagh Nazar Journal, (71-59 (1.

Daneshpour, Abdolhadi and Roustaa, Maryam (2013) "Conceptual Framework of Sustainable Community in Islamic Worldview and Urbanism Tradition of Muslims," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, (24-15 (1.

Dehkhoda, Ali Akbar (1955) Dehkhoda Dictionary, Tehran University, Tehran.

Ebrahimi, Mohammad Hossein (2009) "Square, Undefined Spaces of Iran Cities," Journal of Hoviyate Shahr, Tehran, ((4 120-107.

Esmailian, Sahar and Pourjafar, Mohammad Reza (2013) "Search for Criteria Forming Urban Space Networks in Historical Tex-



شکل ۳. عناصر اصلی بافت های تاریخی شهر ایرانی-اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه گیری

همان طور که در ابتدای این نوشتار ذکر گردید شهرهای امروزی ما دچار بحران هویت هستند؛ زیرا در این شهرها بدون پیوند با گذشته تغییر شکل بنیادین اتفاق افتاده است، و حال آنکه این گسست، باعث از دست رفتن قدرت و قابلیت تشخیص و تمایز گردیده است. در همین راستا برای مقابله با پدیده از دست رفتن هویت در بافت های تاریخی باید نگاه حسرت بار و موزه ای نسبت به تاریخ کنار گذاشته و تغییر در طی زمان پذیرفته شود.

کندوکاو در مقوله هویت به این نتیجه می رساند که نمی توان آن را در یک تعریف خاص قرار داد. در واقع هویت کیفیتی همواره جاری در طیف «گذشته. امروز» است و چنانچه برای ارائه تعریف و شناخت، در لحظه ای خاص آن را متوقف کنیم، دچار خطا می شویم. به این معنی که هویت از اندوخته های ذهنی فرد در طول زمان حاصل می شود.

تغییر امری محتوم است لیکن در کنار تداوم و استمرار می تواند به هویتی پایدار بینجامد. به کمک بررسی عناصر تشکیل دهنده شهرهای سنتی اسلامی کشور و کمک به حفظ تداوم حضور این عناصر در بافت می توان تمهیداتی اندیشید که محیط پاسخگوی نیازهای زمانه خود بوده، در عین حال در تداوم و پیوستگی با شکل و فضای تاریخی باشد. بدین معنی که برنامه ریزان و طراحان شهری باید این پیوستگی و استمرار زمان را در مکان به شکل معنادار و محسوس ایجاد نمایند تا هویت بافت های با ارزش و

- Moein, Mohammad (2005) Moein Persian Dictionary, Rahe Ahle Beyt Publication, Tehran.
- Morris, James (2002) Urban Form History up to Industrial Revolution: Islamic, Middle East and Spain Emperor Cities, Second Volume, Translated By Rezazadeh, Razieh, Jahad Daneshgahi University of Science and Technology Press, first edition, Tehran.
- Movahed, Ali; Shamaei, Ali and Zanganeh, Abolfazl (2012) "Recognition of Physical Identity in Islamic Cities (Case Study: Rey City)," Journal of Regional Planning, ((5 51-37.
- Nazarian, Ali Asghar (1995) Iran Urban Geography, Payam Nour University Press, first edition, Tehran.
- Piran, Parviz (2005) "Identity of Cities, Chirping for a Complex Concept," Abadi journal (48).
- Pourjafar, Mohammad Reza (2001) "Shah Jahan Abad, Reflection of Iran Architecture in Indian Subcontinent," Journal of Culture and Architecture, (11).
- Pourjafar, Mohammad Reza and Ali (2012) "Proposed Model for Neighborhood with Centrality of Mosque and Public Spaces Required for Iranian-Islamic City," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, ((10 24-15.
- Pourjafar, Mohammad Reza; Pourmand, Hassan Ali; Zabihi, Hossein; Hashemi Damneh, Leila Sadat and Taban, Mohsen (2011) "The Phenomenology of Identity and Place in Historical Textures," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, (-11 3 20.
- Shakouei, Hossein (2004) New Approaches on Urban Geography, first volume, SAMT publication, (7).
- Sharan, Consultant Engineers (2005) A Guide to Recognition and Intervention in Worn-
 ture of Iran (case study: Isfahan, Darda-
 sht)," Journal of urban management, ((31 81-64.
- Ghanizadeh, Masoud (2006) "a Review of City in Islamic Civilization," Rahborde Yas Journal, (7).
- Habibi, Seyyed Mohsen (2005) From Shar to City: Historical Analysis of the Concept of City and its Physical Appearance: Thought and Effect, Second Edition, Tehran University Press, (6).
- Habibi, Seyyed Mohsen (2006) Description of Stream of Thought in Contemporary Iranian Architecture and Urbanism, Cultural Research Center, Tehran.
- Hamzehnejad, Mahdi and Arabi, Maedeh (2014) "Studying Iranian Originality in Contemporary Modern Mosques (Case Study: Vali Asr Square Mosque Design, Tehran)," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, (61-47 (15.
- Khodaei, Zahra and Taghvaei, Ali Akbar (2011) "Characterization of Islamic Cities, with Emphasis on Physical Dimensions of Islamic Cities," Journal of Iranian-Islamic Urban Studies, (113-103 (4.
- Komeili, Mohammad and Khodaei, Zahra (2011) "Comparative Study of Identifying Elements in Islamic Cities (Case Study: Rey City)," First National Conference of Islamic Architecture and Urbanism.
- Mashhadizade Dehaghani, Naser (1994) Analysis of Urban Planning Features in Iran, University of Science and Technology of Iran, Tehran.
- Mir Moghtadaei, Mahta (2004) "Recognition and Evaluation Criteria for Urban Physical Identity", Fine Art Journal, (38-29 (19.
- Mir Mohammadi, Hamid Reza (1996) "Appearance and Texture of Islamic Cities," Meshkat Journal, (189-178 (53.

Out Textures, Approved by Iran's Supreme Council for Planning and Architecture.

Soltanzadeh, Hossein (1983) Urban Formation Process and Religious Centers of Iran, Agah publication, Tehran.

Taherkhani, Habib Allah and Motavasseli, Mohammad Mahdi (2006) "Managing Historical Texture of Iran Cities (Challenges and Instructions)", Journal of Urban Management, (107-96 (18.

Tavassoli, Mahmood (1997) Urban Design in Central Part of Tehran, Architecture and Urbanism Research Center.

Tavassoli, Mahmood and Bonyadi, Naser (1990) "Urban Space Design," Architecture and Urbanism Research Center, Tehran.



شماره ۱-۵
بهمن ۱۳۹۴

فصلنامه
علمی-پژوهشی

**نقش
جهان**

عناصر کالبدی - کارکردی شکل دهنده به هویت
یافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی